دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق مطالعه موردی: زنان مطلقه شهرستان بانه

کبری واعظی: کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی kvaezi3000@gmail.com

چکیده

مقدمه: با توجه به پیامدهای فرهنگی، اجتماعی وسیعی که طلاق در بافت سنتی شهرستان بانه برای زنان به همراه دارد، این مطالعه با هدف تبیین دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در شهرستان بانه انجام شد.

روش: این مطالعه کیفی پدیدارشناسی بر روی ۱۵ زن ساکن شهرستان بانه که دارای تجربه طلاق بودند، انجام شد. به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته و مطالعه اسناد و مدارک استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل درون‌مایه‌ای انجام شد.

نتایج: نتایج حاصل از این مطالعه دربردارنده عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه زنان مطلقه است. درون‌مایه‌های اصلی شناسایی شده شامل عوامل فردی، عوامل بین‌فردی، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی اجتماعی و درون‌مایه‌های فرعی شامل ازدواج با انگیزه نامناسب، مسائل روانی و شخصیتی همسر، عدم مهارت‌های ارتباطی موثر، تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده، همزیستی فرهنگ بومی در کنار فرهنگ نوین و ارتکاب جرم هستند.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش طلاق وگسیختگی نظام خانواده، انجام مداخلات حرفه‌ای توسط مددکاران اجتماعی، پیش از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج لازم و ضروری می‌نماید. با عنایت به بافت فرهنگی شهرستان بانه، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی در زمینه کاهش دخالت‌های خانوادگی در زندگی مشترک زوجین توصیه می‌گردد. در خصوص کاهش میزان طلاق و پیامدهای ناشی از آن لازم است سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی از طریق افزایش سرمایه‌گذاری و لزوم تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی در مناطق مرزنشین اقدامات مؤثری انجام دهند.

واژگان کلیدی

زنان مطلقه

طلاق

خانواده

عوامل موثر بر طلاق

تحقیق کیفی

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۰۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۳/۲۸

نحوه استناد به مقاله: کبری واعظی. دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق (مطالعه موردی: زنان مطلقه شهرستان بانه). فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹٤؛ ٤ (۱): ٦٤-٥٢

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

Perpective of Divorced Women About the Factors Contributing to a Divorce Case Study: The Divorced Women of Baneh

Kobra Vaezi: MA in social work kvaezi3000@gmail.com

Abstract

Introduction: Since the broad cultural and social consequences of divorce for women of Baneh city, this study aimed to explore the perpective of divorced women about the factors contributing to a divorce in their city.

Methodology: Fifteen women who had experienced divorce and living in Baneh were participating in this phenomenological qualitative study. Semi-structured interview and reviewing documentation were used to collect date. Data analysis was conducted by qualitative content analysis.

Results: The results of this study include factors contributing to divorce from the point of view of the divorced women. The main themes consist of individual factors, interpersonal factors, family factors and socio-cultural factors and sub themes are inappropriate motives of mariage, psychological and personality problems of spouse, lack of effective communication skills, conflict between tradition and modernity in family, coexistence of local culture and modern culture and finally committing crimes.

Conclusions: Given the nowadays increasing divorce rate, professional intervention of social workers before and during and marriage and also after divorce seems to be necessary. According to traditional context of Baneh, it's recommanded to educate and inform families in order to reduce their ineffective interference in couples's lives. Also policy-makers and social planners should improve and strenghten economic and social structure of frontier areas to reduce the rate of divorce and its consequences.

Keywords

Divorced Women

Divorce

Family

Factors Affecting Divorce

Qualitative Research

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 05 May 2015
Accepted: 18 Jun 2015

Please cite this article as follows: Vaezi K. Perpective of Divorced Women About Factors Affecting Divorce (Case Study: Divorced Women of Baneh). Quarterly journal of social work. 2015; 4 (1); 52-64

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

مقدمه

طلاق یکی از آسیب‌های اجتماعی است که در جوامع امروزی به شدت رواج یافته است، میزان این پدیده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به سرعت افزایش یافت (باتریکا واسمیت، ۲۰۱۲: ۱۱). نرخ طلاق در کشورهای صنعتی به طور قابل ملاحظه‌ای در حال افزایش است. مطابق با آمار سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۲، بیش از ۱۶ درصد افزایش یافته است (زارع، وفایی و احمدی، ۱۳۹۳: ۳۹۶). تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید رو به رو ساخته و آن را در معرض تهدید قرار داده است. زمانی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب ببیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود. طلاق که مهمترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌آید (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۷۳-۲۷۴)، رویدادی پیچیده است که از جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی به آن نگریسته می‌شود (آماتو و پرویتی، ۲۰۰۳) و وقوع آن برای افراد، به‌ویژه برای زنان که طلاق را به عنوان یک مشکل اساسی در روابط بعدی خود می‌یابند، بسیار دشوار می‌نماید (برایان، ۲۰۰۰: ۷۱۳. سکلکوک، ۲۰۰۵: ۹۰). برخلاف کشورهای غربی که در بیشتر مواقع طلاق با توافق طرفین و در فضایی مسالمت‌آمیز اتفاق می‌افتد، در ایران با ایجاد تنش و استرس در خانواده‌ها به وقوع می‌پیوندد. دلایل متعددی این موضوع را تبیین می‌کند که یکی از این دلایل پدیده «انگ‌زنی» است و زنان بیش از مردان از این انگ دچار عارضه می‌شوند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

مطالعات بسیاری در پی پاسخ به این سوال بوده‌اند که عوامل موثر بر طلاق کدامند؟ عوامل مختلفی با توجه به بافت فرهنگی- اجتماعی برای وقوع پدیده طلاق ذکر شده است. به طور مثال سابینی (۱۹۹۵) و آماتوو راجرز (۱۹۹۷) خیانت همسران نسبت به یکدیگر را یکی از عوامل طلاق ذکر کرده‌اند. سابینی با مطالعه تطبیقی ۶۶ کشور نشان داد که هر چه زنان در جامعه بیشتر با مردان مرتبط داشتند، میزان طلاق بالاتر خواهد بود. گافل (۲۰۱۰) عوامل فردی (سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی- اجتماعی)، ارتباطی (کارکردهای روانی و عاطفی پیشین و یا میزان دلبستگی به همسر سابق) و روانی (میزان عزت نفس، مهارت‌های مقابله فردی، نگرش‌ها و باورهای فردی) را از جمله عوامل موثر در پایان دادن به ازدواج و وقوع آن ذکر کرد. این در حالی است که محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) با توجه به بافت فرهنگی- اجتماعی ایران، عوامل قبل از ازدواج مانند ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری و عوامل بعد از ازدواج شامل تعارض با خانواده همسر، حضور اندک شوهر در منزل و تداوم معاشرت‌های مجردی، تعارض بر سر نگرش‌های نقش جنسیتی، خشونت زناشویی، خیانت، بدگمانی و مشکلات مالی در بروز طلاق را موثر می داند. از دیدگاه زنان و مردانی که تجربه طلاق دارند، عوامل متفاوتی زمینه‌ساز بروز طلاق است، چنانچه مطالعه باریکانی و محمدی (۲۰۱۲) نشان داد که مهمترین دلایل مردان برای جدایی و طلاق دخالت‌های خانوادگی و در میان زنان مهمترین دلیل طلاق، انتخاب نادرست همسر می‌باشد. بررسی پیشینه تجربی اشاره بر این نکته دارد که عوامل موثر بر طلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر کاملا متفاوت است و این امر بر این نکته صحه می‌گذارد که برای پیشگیری و کاهش طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی لازم است بافت فرهنگی- اجتماعی مورد نظر قرار گیرد.

طی سال‌های اخیر با گسترش آسیب‌های اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان‌های کشورمان رشد چشمگیری داشته است. یکی از این استان‌ها، استان کردستان است. آمار بالای طلاق در این استان به یکی از دغدغه‌های اصلی مسوولان فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. به گونه‌ای که کمتر برنامه، همایش یا طرح اجتماعی بدون در نظر گرفتن تأثیرات پدیده اجتماعی طلاق در استان اجرایی شده است. بنابر گزارش پایگاه تحلیل خبری خانواده و زنان (۱۳۹۳) از هر ۸/۵ ازدواج در سال ۱۳۸۳ در کردستان یک مورد به منجر به طلاق شده است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ این رقم از ۴/۶ ازدواج به یک مورد طلاق تغییر یافته است. در میان شهرهای استان کردستان، بانه طی دهه‌های اخیر با وضعیت کاملا متفاوتی مواجه بوده است. طبق گزارش ارائه شده از سوی پایگاه خبری تحلیل آربابا (۱۳۹۳) شاهد افزایش دو برابری آمار طلاق در این شهرستان در مقایسه با وضعیت مشابه ۹ ماهه سال گذشته (۱۳۹۲) هستیم.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

براســاس این آمار به ازای هر ۵/۴ ازدواج در این شهرستان یک مورد طلاق به ثبت رسیده است و این در حالی اســت که در ۹ ماه سال ۱۳۹۲ به ازای هــر ۷ ازدواج یک طلاق ثبت شده است. داشتن مرز مشترک با کشور عراق، رواج مبادلات مــرزی وورود فراوان اجناس خارجی واســتفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن موجب شده اســت تا افراد در معرض تغییر «سبک زندگی» قرار گیرند. با تغییر سبک زندگی و آسیب‌پذیری بیش از پیش مرزهای خانوادگی، خانواده با چالش‌های فزاینده‌ای مواجه شده است (قادرزاده، قادرزاده و حسین پناه، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴)، به طوری که در گذشته طلاق برای بســیاری از خانواده‌ها به ویژه زنان یک «ننگ اجتماعی» محسوب می‌شــد و تحت هر شــرایطی به زندگی زناشــویی ادامــه می‌دادند، اما امروزه زنان حاضر به تحمل شرایط ناخوشایند زندگی زناشویی نیستند، و همین امر باعث شــده اســت که در بســیاری از موارد زنان آن هم در ماه‌های ابتدایی زندگی و حتی در دوران عقد، علیرغم پیامدهای روانی، اجتماعی، فرهنگی طلاق، اقدام به درخواست طلاق کنند. از این رو این مطالعه با هدف تبیین دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در شهرستان بانه صورت گرفته است.

روش

با توجه به ماهیت اکتشــافی این مطالعه، اســتفاده از روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی برای انجام این پژوهش در نظر گرفته شــده است. پدیدارشناسی جنبشی است که توسط هوسرل در ســال (۱۸۳۸- ۱۸۵۹) به عنوان یک شیوه جدید در فلســفه به کار رفت (کافل، ۲۰۱۱: ۱۸۱. اســپرس، ۲۰۰۹: ۲). هدف این روش پژوهشــی تمرکز بر ادراک افراد از جهانی است که در آن زیست می‌کنند (فید، ۲۰۰۴: ۶۴۸. کافل، ۲۰۱۱: ۱۸۲). پژوهشگران زمانی از این روش استفاده می‌کنند که سعی در توصیف تجارب زیستی افراد، نگرش‌ها و عقاید، احساسات و عواطف افراد دارند (گرین والد، ۲۰۰۴: ۵). در این مطالعه با توجه به هدف پژوهش از روش‌های مطالعه اسنادی برای بررسی تحقیقات پیشین و مصاحبه نیمه‌ساختاری استفاده شــد. افراد مورد مطالعه در این پژوهش زنان ۲۰ الی ۳۷ ســاله دارای تجربه طلاق بودند که در شهرستان بانه سکونت داشتند. معیارهای ورود به این مطالعه داشــتن تجربه طلاق (در دوران عقــد و یا بعد از آن)، ارائه درخواســت طــلاق از طرف زن، عدم وجود بیماری روانی تأیید شــده و علاقمندی و رضایت آگاهانه برای شرکت در مصاحبه بود. جدول (۱) ویژگی‌های دموگرافیک شرکت کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول(۱) ویژگی‌های دموگرافیک شرکت کنندگان

نام	سن	تحصیلات	شغل	مدت زمان دوام زندگی زناشویی
ساناز	۲۷	دیپلم	خانه‌دار	۶ ماه
صبا	۳۶	فوق لیسانس	مدرس دانشگاه	۱ ماه
شیوا	۲۰	دیپلم	آرایشگر	۲۶ ماه
نادیا	۳۷	دیپلم	خانه‌دار	۲ سال
شراره	۳۴	لیسانس	دبیر	۲ سال
فرشته	۳۷	لیسانس	دبیر	۵ سال
شهناز	۲۷	سیکل	آرایشگر	۳ سال
لیلا	۳۲	فوق لیسانس	کارمند	۱ سال و ۹ ماه
مینا	۳۵	فوق لیسانس	مدیر مدرسه	۱ سال
شیرین	۳۶	فوق دیپلم	حسابدار	۳ سال
مریم	۳۰	دیپلم	خانه‌دار	۲ سال و ۵ ماه
زری	۲۱	دانشجو	خانه‌دار	۱ سال و ۲ ماه
لاله	۲۴	دیپلم	آرایشگر	۸ ماه
شهین	۲۲	فوق دیپلم	حسابدار	۱۱ ماه
آیدا	۲۳	دیپلم	خانه‌دار	۸ ماه

بر اســاس نمونه‌گیری هدفمند و با توجه بــه معیارهای ورود به پژوهش و رســیدن به اشــباع نظری با ۱۵ نفــر از زنانی که تجربه طلاق داشــتند، مصاحبه شد. در رویکرد پدیدارشناسی انــدازه نمونه‌های مورد مطالعه بین ۶ تا ۱۰ نفر یا بیشــتر تخمین زده شــده است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۵۰). در این مطالعه پس از ۱۵ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به داده جدیدی دست پیدا نکند (برینت و شارمز، ۲۰۰۷: ۲۸۱. کولب، ۲۰۱۲: ۸۴). در ۳ مصاحبه آخر داده جدیدی کسب نگردید.مصاحبه با یک سوال کلی آغاز شد (اوقات فراغت را چطور می‌گذرانید؟) و به تدریج جهت روشن‌تر شدن مفهوم و عمیق‌تر شدن روند مصاحبه بر اساس داده‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان، سوالات پیگیری کننده و اکتشافی (چی شد که از همسرتون جدا شدید؟) مطرح شد. دسترسی به نمونه‌ها از طریق مراجعه به «انجمن زنان بانه» و «انجمن خیریه هدیه» در شهرســتان بانه صورت گرفت. مکان و زمان انجام مصاحبه توســط شرکت‌کنندگان تعیین شــد، به‌طوری که تعدادی از مصاحبه‌ها در منزل شــرکت‌کنندگان و تعدادی نیــز در انجمن خیریه هدیه صورت گرفت. تشویق شــرکت‌کنندگان به بیان تجربیات خود، فعالانه گوش دادن پژوهشگر، کســب اجازه از شرکت‌کنندگان به‌منظور ضبــط مصاحبه‌هــا از موارد مورد توجه در رونــد مصاحبه بود. طول مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ الی ۹۰ دقیقه در نوســان بود.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان، اختیار و آزادی در خروج از مطالعه در هر مرحله از تحقیق، محرمانه ماندن فایل مصاحبه‌ها و اطمینان دادن به شرکت‌کنندگان در راستای استفاده علمی از اطلاعات کسب شده از ملاحظات اخلاقی مورد توجه در این پژوهش بود. همچنین برای ناشناس ماندن هویت شرکت‌کنندگان در مطالعه، تمامی اسامی به کار رفته به صورت مستعار انتخاب شده‌اند.

همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آن‌ها نیز انجام شد. تحلیل درون‌مایه‌ای با روش براون و کلارک (۲۰۰۶) در شش مرحله برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. این مراحل شامل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجوی درون‌مایه‌ها، بازنگری درون‌مایه‌ها، تعریف و نام‌گذاری درون‌مایه‌ها و تدوین گزارش بود (براونو کلارک، ۲۰۰۶: ۱۶-۲۳). در ابتدا متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و محقق با غوطه‌ور شدن در داده‌ها ایده‌های کلی خود را یادداشت نمود. سپس کدهای اولیه استخراج گردید. بدین صورت که واژه‌ها، عبارات کلیدی و نکات برجسته سخنان شرکت‌کنندگان در قالب واحدهای معنایی مشخص و برچسب‌گذاری شد. در مرحله بعد که تحلیل در سطح بالاتر و با انتزاع بیشتر انجام شد، کدهای اولیه به صورت طبقات و درون‌مایه‌های اولیه طبقه‌بندی و نام‌گذاری گردید. سپس درون‌مایه‌های اولیه مورد بازنگری قرار گرفت و پس از اصلاح، درون‌مایه‌های اصلی مشخص و تعریف شد. درون‌مایه‌های فرعی هر یک از آنان نیز بازبینی، تعریف و شماره‌گذاری شد. در نهایت داده‌ها در قالب چهار درون‌مایه اصلی وشش درون‌مایه فرعی تلخیص و تعریف شد. جهت اطمینان از صحت و دقت داده‌ها از معیارهای گوبا و لینکلن استفاده شد. برای این امر پژوهشگر با درگیری طولانی و تعامل نزدیک با شرکت‌کنندگان و تلفیق روش‌های جمع‌آوری داده‌ها به درک بهتری دست یافت. در ضمن کلیه مراحل انجام پژوهش به طور دقیق ثبت و ضبط گردید.

یافته‌ها

دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در قالب چهار درون‌مایه اصلی شامل «عوامل فردی»، «عوامل بین فردی»، «عوامل خانوادگی» و «عوامل فرهنگی- اجتماعی» وشش درون‌مایه فرعی طبقه‌بندی شد. جدول ۲ دسته‌بندی درون‌مایه‌های اصلی، فرعی و طبقات اولیه را به اختصار نشان داده شده است.

جدول(۲) درون‌مایه‌های اصلی و فرعی و طبقات اولیه استخراج شده

طبقات اولیه	درون مایه‌های فرعی	درون مایه‌های اصلی
ازدواج به خاطر شکست تحصیلی، ازدواج به خاطر شکست عاطفی، ازدواج راهی برای فرار از شرایط نامساعد خانواده، ازدواج راهی برای زندگی در خارج از کشور، ازدواج احساسی و بدون شناخت کافی	ازدواج زنان با انگیزه نامناسب	عوامل فردی
افسردگی، سوء ظن شدید، حساست شدید، فریب و ظاهرسازی، فقدان مسئولیت پذیری، عدم استقلال فکری و وابستگی به دیگران	مسائل روانی و شخصیتی شوهر	
عدم ابراز علاقه و تأمین نشدن نیازهای عاطفی، فقدان همدلی، پرخاشگری به مثابه ابزار ارتباطی، ناتوانی شوهر در رابطه جنسی، بی‌میلی جنسی شوهر	فقدان مهارت‌های ارتباطی موثر	عوامل بین فردی
ازدواج تحمیلی به جای انتخاب شخصی، اتکای خانواده به شناخت اطرافیان به جای تحقیق پیش از ازدواج، زندگی با خانواده شوهر، عدم پذیرش از سوی خانواده شوهر، دخالت اطرافیان، مردسالاری در خانواده، مخالفت با ادامه تحصیل زنان	تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده	عوامل خانوادگی
تعدد زوجین، فرهنگ پذیری از رسانه‌های بیگانه، روابط عاطفی و جنسی فرازناشویی	همزیستی فرهنگ بومی در کنار ظهور فرهنگ نوین	عوامل فرهنگی- اجتماعی
استعمال مشروبات الکلی، اعتیاد به مواد مخدر، سرقت و کلاهبرداری، خشونت جسمی و جنسی	ارتکاب جرم	

ازدواج زنان با انگیزه نامناسب: انتخاب همسر که یکی از مهمترین انتخاب‌های افراد در طول زندگی تلقی می‌شود، گاه تحت تأثیرنگرش‌های آرمانی و انگیزه‌های نامناسب قرار گرفته و باعث می‌شود افراد در مهمترین انتخاب زندگی خود، از روی احساس، جبر محیطی و ناآگاهی دست به اقدام و انتخاب بزنند. به عنوان مثال ساناز که در ۲۲ سالگی و بعد از چندین بار شکست در آزمون ورودی دانشگاه‌ها تصمیم می‌گیرد با مردی که دارای مدرک فوق لیسانس و دو بار تجربه طلاق بوده، ازدواج کند آن هم فقط به خاطر داشتن مدرک تحصیلی بالا. او چنین می‌گوید: «آرزوی من قبولی در کنکور بود. اما بعد از چند بار شرکت در آزمون، تصمیم گرفتم با مردی که فوق لیسانس و دو بار تجربه طلاق داره، ازدواج کنم. با اینکه می‌دونستم اصلا به دردم نمی‌خوره. اما به خاطر مدرک دانشگاهی بالا، شیفته ازدواج با اون شدم». یا صبا از انگیزه ازدواجش به خاطر زندگی در خارج از کشور می‌گوید: با توجه به اینکه سنم بالا رفته بود، با مردی که ۱۰ سال بزرگتر از خودم بود و از سن ۱۵ سالگی به همراه خانواده‌اش به استرالیا مهاجرت کرده بود، ازدواج

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

کردم. مردی که هیچ شناختی ازش نداشتم و افکارو عقاید و کلا شیوه زندگیش با من متفاوت بـود، اما چون زندگـی در خارج همیشـه رویـای من بـود باعث شـد بهش جـواب مثبت بدم. یـک ازدواج ناآگاهانه! ازدواجـی که از همون دوران عقد به طلاق ختم شـد». شـیوا از رابطه کاملا احساسـی و عاشـقانه و بـه دور از هـر نوع شـناخت و آگاهـی می‌گویـد: «خانواده‌ام به شـدت مخالف ازدواجم بودن. پدرم می‌گفت: پسر مسـتقلی نیست و به خانواده‌اش تکیه داره و نمی‌تونه یک زندگی رو اداره کنه اما عشق و علاقه بچه‌گانه همه وجودم رو پر کرده بود وبه حرف کسـی اهمیت ندادم. می‌خواستم به هر قیمتی که شـده باهـاش ازدواج کنم. خانـواده‌ام هـم وقتی اصرار مـن رو دیدن دسـت از مخالفت کشـیدن. بعدها متوجه شـدم که حق با پدرم بـود و اگه به حرفش گوش می‌دادم شـاید امـروز مهر طلاق رو شناسـنامه‌ام نبود». «پدرم همیشـه عصبانی بود و با مادرم مدام سـر ناسازگاری داشت. مرتب دعوا مرافعه داشـتن. دلم می‌خواست از اون خونـه برم و همین باعث شـد که به اولین خواسـتگارم بدون هیچ فکری پاسخ مثبت بـدم. می‌خواسـتم با رفتـن از خونه پدرم روی خوشـبختی رو ببینم اما بدبخت شـدم». این را آیـدا در خصوص شـرایط نامطلـوب خانه پدری می‌گوید. اما شـراره از رابطـه ناتمام خود با دوسـت پسـرش و ازدواج بـا اولین خواسـتگارش بـه خاطر شکست عاطفی سـخن می‌گوید: با دوست پسرم حدود ۲ سال رابطه داشتم. مدام بهش می‌گفتم کـه برای خواسـتگاری اقدام کنه اما هر بـار بهونه می‌آورد. می‌گفت موقعیت ندارم، شغل حسابی ندارم و از این حرف‌ها. تا اینکه متوجه شـدم که اصلا قصد ازدواج بـا من رو نـداره و اصلا نمی‌خـواد زیر بار مسئولیت بره. منم به خاطر اینکه احساساتم جریحه‌دار شده بود، به یکی از خواستگارام جـواب مثبت دادم به این امید که اون پا پیش بذاره، اما اقدام نکرد و منم ازدواج کردم».

مسـائل روانی و فقدان ثبات شـخصیتی: از دیـدگاه زنان شـرکت کننده در پژوهش، مسـائل روانی و فقدان ثبات شخصیتی یکی از عوامل موثر بر طلاق گزارش شـد. داشتن مشکلات روانی و شـخصیتی شوهر در اغلب موارد ادامه زندگی را با تنش و کشمکش زوجین همراه ساخته تا جایی که تحمل عرصه بر زنان تنگ می‌گردد و طلاق را بر ادامه زندگی مشترک ترجیح می‌دهند. برای مثال فرشته در خصوص عدم اسـتقلال فکری و وابستگی شـوهرش به دیگران می‌گوید: «خیلی به خونواده‌اش وابسته و متکی بود. هرگز نمی‌تونست در هیچ کاری خـودش تصمیم بگیره. بدون نظـر خونواده‌اش حتی کوچکتریـن و پیش‌پا افتاده‌ترین مسـأله‌ای رو هم نمی‌تونسـت حل کنه و این مسـأله روز به روز من رو بیشـتر عصبی می‌کرد». شهناز در خصوص افسـردگی شوهرش می‌گوید: «شـوهرم افسرده بود. خیلی منزوی و گوشـه‌گیر بود. اهـل رفت و آمد و معاشـرت نبود. گاهی خـودم تنهایی مهمونی می‌رفتم. خیلی کم حرف بود. نسـبت به همه چیز بی‌اهمیت و بی‌توجه بود. داروی افسردگی هم مصرف می‌کرد اما مثل اینکه تأثیر خوبی نداشت. کلا کسل بود و حال و حوصله خودش رو هم نداشـت چه برسه به من. کم‌کم احساس کردم که بود و نبود من توی اون خونه هیچ اهمیتی نداره. منم داشـتم افسـرده می‌شـدم. وقتی بهش پیشـنهاد می‌دادم یه تغییـری در زندگیمون ایجاد کنیم با بی‌تفاوتیش مواجه می‌شـدم. به خاطر همین تصمیم گرفتم که هر چه زودتر از این زندگی برم بیرون». لیلا از سـوء ظن شـدید همسـرش می‌گوید: «خیلی شـکاک بود. مرتب گوشیم رو چک می‌کرد. حتی نسبت به تماس تلفنی همکارانم هم حساس بود. به اشتباه فکر می‌کرد من با مرد دیگه‌ای در رابطه هستم. حساسیتش روز به روز بیشتر می‌شد تا اینکه هر روز صبح خودش منو تا اداره می‌رسـوند و ظهر می‌اومد دنبالم. بارها سـر همین مسـأله با هم جر و بحث داشتیم اما اون دست از شکاکیتش برنمی‌داشـت. من رو متهم به کاری می‌کرد که هرگز حتـی فکرش هم به ذهنـم خطور نکرده بود!». اما آیدا از خساسـت بی‌حد و حصر شوهرش می‌گوید: طی اون ۸ ماهی که باهاش زندگی کـردم حتی یه هدیه خیلی کوچیک ازش نگرفتم. خساسـتش حد و اندازه نداشـت. همـه خریدهامو چک می‌کرد و بـه خاطر خرید یه وسـیله حتی نسبتا ارزون هم باهام جر و بحث می‌کرد». آیدا همچنین از ظاهرسـازی‌های شـوهرش می‌گویـد: «در دوران عقدخودش رو پیـش خونواده‌ام طـوری جلوه داد که همه بهـش افتخار می‌کردن و به من غبطه می‌خوردن که چه شـوهر خوبی گیـرم اومده با اخلاق، مومـن، اهل آداب و معاشـرت و... اما شـخصیت واقعی خودش رو فقط در زندگی نشـون داد». مینا از بی‌مسـئولیتی شـوهرش نسبت به

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

زندگی می‌گوید: «با اینکه مسئولیت‌های اجتماعی زیادی رو بر عهده داشت، اما نسبت به زندگیمون، نسبت به آینده بچه‌هامون خیلی بی‌تفاوت بود. هیچ وقت به درس و مشق بچه‌ها رسیدگی نمی‌کرد. به مدرسه‌شون اصلا سر نمی‌زد. بچه‌ها که مریض می‌شدن خودم تنهایی می‌بردمشون دکتر. همه مسئولیت‌های این زندگی رو دوش من بودو در هیچ کدوم از مشکلات زندگیمون حضورش رو احساس نکردم. فقط سر کار می‌رفت و وقتی هم می‌اومد انتظار داشت همه چیز رو به راه باشه».

فقدان مهارت‌های ارتباطی مؤثر: ارتباط کلامی و عاطفی برای زنان در زندگی زناشویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، فقدان این مهارت در زوجین عامل ایجاد فاصله و جدایی عمیق عاطفی در همسران می‌گردد، به طوری که می‌تواند عامل جدایی و طلاق باشد. منظور از مهارت‌های ارتباط بین فردی در این مطالعه ارتباط عاطفی، ارتباط کلامی و ارتباط جنسی است. به عنوان مثال شراره در ارتباط با عدم ابراز علاقه و توجه شوهرش می‌گوید: هرگز بهم ابراز علاقه نمی‌کرد. نسبت بهم خیلی بی‌توجه بود. بود و نبودم براش اهمیتی نداشت. تو اون خونه احساس پوچی بهم دست داده بود. اصولا از نظر اون ابراز علاقه و توجه نشون دادن یه کار بچه‌گانه و مسخره می‌اومد. هر بار که بهش اعتراض می‌کردم، با ریشخند می‌گفت: مگه بچه شدی، توجه، توجه!». شیرین از فقدان همدلی می‌گوید: «زن و شوهری که نتونن در مشکلات از همدیگه حمایت کنن و سنگ صبور هم باشن، همون بهتر که از هم جدا بشن. شوهرم هیچ وقت در مشکلات کنارم نبود و حمایتم نکرد. مادرم که فوت کرد اصلا درک نمی‌کرد که مرگ مادر یعنی چی؟! مرتب بهم طعنه می‌زد که: چه خبرته آبقوره گرفتی، مرد که مرد، خدا رحمتش کنه! در همه مسائل اینطور بود. همدلم و همزبونم نبود. اما ساناز از پرخاشگری‌های شوهرش می‌گوید: «اصلا نمی‌شد باهاش حرف زد. تا یه چیزی می‌گفتم بهم پرخاش می‌کرد، عصبانی می‌شد. به هیچ‌وجه نمی‌تونستیم با همدیگه دو تا آدم معقول بشییم و در مورد مسأله‌ای صحبت کنیم، اون همیشه عصبی و بدخلق بود. انگاری تا من می‌خواستم حرف بزنم، عصبی و پرخاشگر می‌شد، چون با اطرافیان و خانواده‌اش اینطور نبود». ناتوانی جنسی شوهر، برای لیلا به مشکلی بزرگ تبدیل شده بود: «ناتوانی جنسی داشت. به اصرار من چندین بار به پزشک مراجعه کرد اما نتیجه‌ای نداشت. از نظر پزشکان ناتوانیش منشأ روانی داشت نه جسمی. باید تحت روان درمانی قرار می‌گرفت. اما حاضر به این کار نبود». زری هم از بی‌میلی جنسی شوهرش می‌گوید: «هیچ تمایلی به رابطه جنسی نداشت. همه راه‌ها رو برای ایجاد میل و علاقه درش امتحان کرده بودم اما بی‌نتیجه بود. کتاب‌های زیادی رو در این مورد مطالعه کردم و از یه روانشناس خانواده هم کمک گرفتم. باید هر دو تحت مشاوره قرار می‌گرفتیم اما شوهرم راضی به این کار نبود. می‌گفت من همینم که هستم اگه خسته شدی می‌تونی از این زندگی بیری بیرون. نسبت به هم خیلی سرد و بی‌عاطفه شده بودیم و دیگه دلیلی برای ادامه زندگی باهاش نمی‌دیدم».

تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده:

با توجه به چالش‌های وسیعی که امروزه خانواده با آن رو به روست، الگوها و ارزش‌های سنتی کارکرد موثرخود را در حد بسیار زیادی از دست داده‌اند و در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته‌اند. در بافت فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه هنوز کارکرد این الگوها و ارزش‌های سنتی در حد نسبی پابرجاست اما دیگر از سوی جوانان پذیرفتنی نیست. به عنوان مثال نادیا از ازدواج تحمیلی‌اش سخن می‌گوید: «بعد از طلاق اولم به اصرار و اجبار خانواده مجددا ازدواج کردم. با اینکه کمترین علاقه‌ای به شوهرم نداشتم اما حق مخالفت هم نداشتم، مخصوصا اینکه ازدواج اولم به میل و علاقه خودم بود. پدرم نظرش این بود که اگه همون بار اول خودش برام شوهر انتخاب می‌کرد حالا من مطلقه نمی‌شدم. اما انتخاب پدرم هم به طلاق منتهی شد». لاله از عدم تحقیق و شناخت قبل از ازدواج می‌گوید: «خانواده شوهرم یکی از خانواده‌های سرشناس و پولدار شهر بودند. به اعتبار شهرت و ثروتشون خانواده‌ام نیازی به تحقیق ندیدن». ساناز از زندگی با خانواده شوهرش می‌گوید: «قبل از عروسی قرار بر این بود که ۲-۳ ماه با خونواده شوهرم زندگی کنیم و بعد یه خونه بگیریم. اما ۶ ماه از ازدواجمون گذشت و خبری از خونه گرفتن نبود. همه مسئولیت‌های خونه، آشپزی، نظافت، پرستاری از مادر شوهرم که سرطان داشت، همه به عهده من بود. مثل کلفت کار می‌کردم و کسی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

قدرمو نمی‌دونست و اصرار من هم برای زندگی مستقل بی نتیجه بود». آیدا ازعدم پذیرش از سوی خانواده شوهر می‌گوید: والدینش با ازدواج ما مخالف بودن. منو به عنوان عروسشون قبول نداشتن و مدام بهم سرکوفت می‌زدن». شهین از دخالت‌های خانوادگی می‌گوید: «کارمون به جایی رسیده بود که حتی عمو و عمه‌های شوهرم در زندگیمون دخالت می‌کردن و برامون تعیین تکلیف می‌کردن. حتی در کوچکترین مسائل مون مثل خرید لوازم خونه دخالت می‌کردن». شراره از زندگی در خانواده مرد سالار می‌گوید: «زندگی در یه خانواده مردسالار عین اسارته. هیچ اختیاری از خودم نداشتم. حتی اجازه رفتن به خونه پدرم رو هم نداشتم. با اینکه ما طبقه پایین خونه پدر شوهرم بودیم، اما مرتب رفت و آمدمو کنترل می‌کردن و تذکر می‌دادن که خوب نیست زن اینقد بیاد و بره». مریم در خصوص تشویق خانواده‌اش به طلاق می‌گوید: «بعد از چندین بار اختلاف و کشمکشی که بین من و شوهرم پیش اومد، مادرم اصرار داشت که طلاق بگیرم. می‌گفت: اون دیگه برای تو شوهر نمی‌شه، با این دعوا مرافعه‌هاتون، هر چه زودتر جدا بشی برات بهتره». اما زری از مخالفت شوهر با ادامه تحصیلش سخن می‌گوید: «با خونواده شوهرم همسایه بودیم و تقریبا رفت و آمد داشتیم. موقع آشنایی هر دومون دیپلم بودیم تا اینکه من در دانشگاه تبریز قبول شدم و همون دوره بود که شوهرم اومد خواستگاری. اولین شرطش این بود که انتقالی بگیرم و بیام شهر خودمون درس بخونم. منم چون دوسش داشتم قبول کردم. بعد از یک سال که از زندگیمون گذشت، مخالفت‌ها شروع شد. گفت باید درس خوندن رو رها کنی و به خونه و زندگیت برسی. من زن تحصیل کرده نمی‌خوام. این اختلافات مدتی ادامه داشت اما به هیچ وجه نظرش عوض نشد. منم به خاطر همین مسأله درخواست طلاق دادم»

ارتکاب جرم: شهرستان مرزی بانه همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیع گشته است. در دهه‌های اخیر افزایش اعتیاد، جرم و فقر در این شهرستان بیداد می‌کند. به طوری که از دیدگاه زنان مورد مطالعه در این پژوهش، ارتکاب جرم، اعتیاد به مواد مخدر و استعمال الکل از مهمترین عوامل موثر بر وقوع طلاق هستند. این در حالی است که با شیوع جرم در جامعه، ارزش‌های فرهنگی نیز دگرگون شده‌اند و ارزش‌های نوینی که خاستگاه غربی دارند، در جامعه رایج شده است.

در ارتباط با استعمال الکل فرشته می‌گوید: «شوهرم همیشه مست بود. مصرفش بالا بود. الکل مصرف می‌کرد. کمی بعد از مصرف خون جلوی چشاشو می‌گرفت. با اینکه ازش قول گرفته بودم که ترک کنه اما یواشکی می‌آورد تو خونه و مصرف می‌کرد. به خاطر بچه‌هام جدا شدم. می‌ترسیدم که اونام گرفتار بشن». لاله که در دوران عقد از همسرش جدا شده بود، می‌گوید: «در دوران عقد از طریق یکی از فامیلای شوهرم متوجه شدم که شوهرم سال‌هاست، اعتیاد داره و این مسأله رو از من و خانوادم پنهان کرده و حتی در نتیجه آزمایش هم به کمک یکی از دوستانش که در آزمایشگاه کار می‌کرد، تغییراتی داده بود، که مسأله اعتیاد مخفی بمونه». مریم از سرقت و کلاهبرداری‌های شوهرش می‌گوید: «شوهرم مجرم فراری بود. پرونده‌های زیادی در کلانتری داشت از سرقت‌های کوچیک گرفته تا فروش مواد و... هر روز باید می‌رفت کلانتری و اعلام حضوری می‌داد. از این وضع خسته شده بود. تا اینکه یه روز به دروغ گفت: وکیل گرفتم تا کارهام رو به راه کنه و باید چند روزی برم تهران. اما دیگه هرگز ندیدمش. آخرین باری که صداشو شنیدم از کشور عراق تماس می‌گرفت. برای همیشه فرار کرد و اگه برمی‌گشت محکوم به حبس ابد می‌شد». شهناز هم در مورد خشونت‌های جنسی همسرش که ناشی از استعمال الکل بود، سخن می‌گوید: «بارها ازش خواسته بودم که این مشروب کوفتی رو بذاره کنار، اما مگه گوشش بدهکار حرف من بود؟! مدتی ترک کرد و سرش به کار و زندگیش گرم شد اما همین که مشکلی براش پیش می‌اومد شروع به مصرف می‌کرد، یه شب که مست کرده بود، مثل دیوونه‌ها بهم حمله‌ور شد، چند بار سرم رو به دیوار کوبوند، میل جنسیش به شدت زیاد شده بود. اونقدر بهم فشار آورد تا جنین دو ماهه‌ام سقط شد. همه تنم آثار کتک‌هاشه».

همزیستی فرهنگ بومی در کنار حضور فرهنگ نوین: با رواج شهرنشینی و افزایش حاشیه‌نشینی و نوع مشاغل برخواسته از قاچاق کالا در بانه ارزش‌های نوینی در حال شکل‌گیری است که مغایر با روح جمعی است و بنیان خانواده را به شدت تهدید می‌کند. به عنوان مثال شیوا از تعدد زوجین می‌گوید: «به بهانه کار و بردن جنس

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

برای مشتریانش به شهرهای دور و نزدیک کمتر خونه بود. وقتی‌ام خونه بود، اصلا حرف نمی‌زد، می‌گفت: راحتم بذار خسته‌ام. تا اینکه از طریق یکی از فامیلای نزدیکمون فهمیدم که یه شـهر دیگه خونه و زندگی تشکیل داده بدون اینکه من بفهمم». نادیا از تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر انتظارات شوهرش می‌گوید: «پای ماهواره می‌نشست و به کانال‌های فارسی نگاه می کرد و مرتب بهم طعنه می‌زد که زن باید خوشگل باشه، خوش تیپ باشه و... ازم می‌خواست مثل اونا لباس بپوشم و باشگاه برم که اندامم خوش فرم بشه. انتظاراتش روز به روز بیشتر می‌شد و منم به خاطر کارهای خونه و رسـیدگی به بچه‌ها نمی‌تونستم اونقدر که اون می‌خواسـت به خودم برسم وقتی هم مطابق خواسته‌اش عمل می‌کردم راضی نمی‌شـد و حتما یه ایرادی ازم می‌گرفت. انتظار داشت من پا به پـای مدل‌های ماهـواره‌ای بیام و برم». مینـا از خیانت و روابط عاطفی خارج از چهارچوب ازدواج سـخن می‌گوید: «مرتب گوشـیش زنگ می‌خورد و وقتی من پیشش بودم هیچوقت جواب نمی‌داد. تا اینکه یه روز که حموم بود گوشـیش رو یواشـکی چک کردم. پر از پیام‌های عاشـقانه بود». ساناز از خیانت جنسـی سخن می‌گوید: «می‌دونستم که رابطه‌های جنسی خارج از ازدواج داره. به رابطه زناشویمون اصلا پایبند نبود. گاهی برای مأموریت کاری می‌رفت، شـیراز، کاشان و... و تا یه هفته برنمی گشت وقتی هم برمی گشت کاملا سرحال و قبراق بود. یه بار که دعوامون شـد و من برگشتم خونه پدرم، بعد از یک ماه که اومـد برم گردونه خونه، گفت: فکر نکن این مدت بهم سخت گذشته و تو فشـار بودم. من خیلی راحت با زن‌های دیگه در رابطه هسـتم و این مدت که نبودی چندین بار تجربه سکس داشتم و به وجود تو هیچ نیازی ندارم». استفاده ازراه‌های ارتباطی مـدرن نیز یکی از عوامل موثـر در طلاق از دیدگاه شـرکت‌کنندگان در این مطالعه بود. لیلا در این باره می‌گوید: «شـوهرم مرتب تو فیس‌بـوک و چت و وایبر بـود. وقتی بهش اعتراض می کردم، می گفت: دنیا عوض شده و عصر، عصر ارتباطاته! تو خونه فقط حضور فیزیکی داشت. همه مخاطبانش هم زن بودن و تا نیمه‌های شـب مشغول چت و وایبر بود. با بعضی‌هاشـونم به بهانه فعالیت کاری قرار حضوری می‌گذاشت و بهانه‌اش این بود که به راهنماییشون برای تکمیل پروژه‌ام نیاز دارم».

بحث و نتیجه گیری

هدف از مطالعه حاضر تبیین دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در شهرسـتان بانه بود. با توجه به مرزی بودن شهرسـتان بانه و رواج شهرنشینی طی دهه‌های اخیر نظام خانواده با تغییرات وسیعی روبه رو گشته است، به‌طوری که بیش از پیش شـاهد افزایش آمار طلاق در این شهرستان هسـتیم. تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسـران وارد می‌شـود. در این مطالعه که از دیدگاه زنان مطلقه صورت گرفت، مهمترین عوامل موثـر بر طلاق عوامل فردی، عوامل بین فردی، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی- اجتماعی گزارش شـد. ذکر این نکته حائز اهمیت اسـت که در بافت فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه، علت وقوع طلاق صرفا به خاطر یک عامل نبوده است، بلکه مجموعه‌ای از عوامل همزمان دخیل بوده‌اند و همین امر ادامه زندگی را برای افراد دشوار می‌سازد. این نکته حاکی از این اسـت که عوامل متعددی بر بروز طلاق به عنوان یک بیماری مزمن اجتماعی موثر هسـتند و هر چه تعداد این عوامل بیشتر باشد، خطر بروز طلاق بیشتر می‌گردد.

عامل فردی به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق، اشـاره بر ازدواج با انگیزه نامناسـب از سـوی زنان دارد. از دیدگاه شرکت‌کنندگان ازدواج‌های احساسی و بدون شناخت کافی، ازدواج به خاطر رسیدن به آرزوها و آرمان‌ها و انتخاب‌های خودسرانه از همان دوان عقد و یا ماه‌های آغازین شروع زندگی زناشویی محکوم به شکست بودند. در مطالعه مشکی، شاه قاسمی، دلشاد نوقابی و مسلم (۱۳۹۰)، ۵۰ درصد موارد طلاق در دوان عقد اتفاق افتاده است. این دوان گذرگاهی بین دوران مجردی و زندگی مشـترک و فرصتی برای تبادل نظر و شـناخت زوجین از یکدیگر است و تا حد زیادی با خصوصیات یکدیگر آشنا شده و گاه به علت عدم تفاهم زمینه‌های ناسازگاری و از هم پاشیدن زندگی مشترک فراهم می‌گردد.ازدواج‌هایی که با انگیزه‌هایی که در آن افراد درصدد رسیدن به آرزوها و رویاهای دست نیافتنی خود هستند، چنانچه یافته‌های این مطالعه نشـان داد، نهایتا منجر به طلاق می‌گردد. جبران شکست‌های اجتماعی(تحصیلی و عاطفی) از طریق ازدواج، زندگی در خارج از کشـور، فرار و دور شـدن از شرایط نامساعد و آشفته خانه پدری همگی اهدافی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

فردگرایانــه هســتند که زنان مــورد مطالعه در این پژوهــش، از طریق ازدواج درصدد دستیابی به این اهداف بودند. محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) نیز در مطالعه خود یکی از عوامل نارضایتی زناشویی و طلاق را ازدواج بــا انگیزه‌های نامناســب گــزارش کردند. ازدواج‌هایی که از همان آغاز به دلیل عشق و علاقه یا بر اســاس ملاک‌های نادرســت صورت گرفته اســت. این یافتــه همچنین با نتایج مطالعه مشــکی و همــکاران (۱۳۹۰) ومطالعه شهولی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در این مطالعه مسائل روانی و شخصیتی همسر از جملــه بدگمانی، افســردگی، خساســت شدید، دوگانگی شخصیت و از این قبیل از عوامل موثر بر طلاق گزارش شد. بدگمانی و ســوءظن شــدید در مطالعه محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، غیاثی، روســتا و برابری، (۱۳۹۰)، عــدم صداقــت شــوهر (غیاثی و همــکاران، ۱۳۸۹)، بیماری‌های جســمی یا روانی همسر (مشــکی و همکاران، ۱۳۹۰) نیز گزارش شده است.

امــا عوامل بیــن فردی موثر بــر طلاق که در این مطالعه به عنــوان فقدان مهارت‌های ارتباطــی از آن یاد می‌شــود، نقش بســیار مهمی در وقــوع طــلاق دارد. زوجینی که فاقد مهارت‌های ارتباطی ضروری برای حل مشکلات‌شان هســتند، حتی کوچک‌ترین مشکل نیز برایشــان حل نشدنی خواهد بود (داودی، اعتمــادی و بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). مهرابی‌زاده هنرمند، حسن‌پور و مهدی‌زاده (۱۳۸۹) در مطالعه خود به این نتیجه دســت یافتنــد که آمــوزش مهارت‌هــای ارتباطی همچون همدلی و ارتباط موثر باعث ارتقای سطح درک فرد از دیگران، تحمل تفاوت‌ها و احتــرام به دیدگاه‌های مختلف می‌شــود. غفاری و رضایی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رســیدند کــه افزایش تبادلات مثبت، نیازهای عاطفی- روانی همســران را ارضا کرده، باعث ایجاد احساسات مثبت به یکدیگر می‌گردد و در نتیجه صمیمیت و رضایت زناشویی را به همراه خواهد داشــت و این از طریق آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان یکــی از مهارت‌های زندگی میســر می‌گردد. از دیــدگاه زنان مورد مطالعه در این پژوهش اختلالات جنســی (بی‌میلی جنســی و ناتوانی جنســی) عاملی موثر در جدایی و طلاق گزارش شــد. مسائل جنسی در بسیاری از موارد می‌تواند نتیجه عدم اطلاعات کافی، نگرش‌های منفی نســبت به رابطه جنســی و انتظارات واهی درباره رابطه جنســی باشــد (اوو، ۲۰۱۲: ۷۱۲). نتایج مطالعه فروتن و میلانی (۱۳۸۷) نشان داد که رضایتمندی جنسی، عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی اســت و عدم رضایــت از آن یکی از عواملی اســت که باعث از هم گسیختگی خانواده می‌گردد (فروتن و میلانی، ۱۳۸۷: ۴۳).

یافته دیگری که توجه خاصــی را می‌طلبد، عوامل خانوادگی موثر بر طلاق اســت. نقش پررنگ خانواده‌ها در وقوع طلاق انکار ناپذیر است. در بافت فرهنگی نمونه‌های مورد مطالعه، شکاف عظیمی میان ســنت و تجدد در خانواده شکل گرفته است. بسیاری از والدین سعی دارند بر اســاس اصول ســنتی و کهن، زندگی فرزندان‌شــان را اداره کنند، در حالی که نســل امروزی با باورها و ارزش‌های جدیدی که کســب کرده است، تمایل به اســتقلال هر چه بیشتر و ایجاد خانواده هســته‌ای دارد. ایــن واقعیــت که خانواده به صورت ســنتی شــکل می‌گیــرد امــا ارزش‌ها و مفاهیــم جدید بنیان آن را تحــت تأثیر قرار داده اســت، غیر قابل انکار است. در جامعه ما خانواده به شکل سنتی شــکل می‌گیرد اما طلاق‌های مــا دقیقا تحت تأثیــر ارزش‌های نوین اســت. از دیدگاه شــرکت‌کنندگان در این پژوهش ازدواج اجباری، زندگی با خانواده شــوهر، دخالت‌های خانوادگی و مردســالاری در خانــواده از عوامل موثر بر وقوع طلاق عنوان شــد. دخالت اطرافیان قوی‌تریــن پیش‌بینی‌کننــده میــزان گرایش به طلاق اســت و هر چه دخالت اطرافیان در زندگی زناشــویی بیشــتر باشد، گرایش زوجین به طلاق افزایش می‌یابد (فاتحــی دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۸). در واقع هر چه شــبکه خویشاوندی قوی‌تر باشد، دخالت اطرافیان در روابط زوجین از طریق سلب قدرت تصمیم‌گیری از زوجین موجبات بروز اختلافــات خانوادگی را فراهم نموده و احتمال جدایی افزایش می‌یابد. یافته‌هــای مطالعه‌ریاحــی، علیوردی‌نیــا و بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶)، مشــکی و همکاران (۱۳۹۰)، محســن‌زاده، محمد نظری و عارفی (۱۳۹۰)، شــهولی (۱۳۹۰) و قــادرزاده و همکاران (۱۳۹۱) از دخالت‌های خانوادگی به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق حمایت می‌کند. ازدواج‌های سنتی معمولا بر اساس مصلحت جمع و منطبق بر ســنت‌ها شــکل می‌گیرد (علی احمدی و پور رضا کریم سرا، ۱۳۹۲: ۱۷) اما این نوع ازدواج در شــرایط کنونــی که جامعه دوره گذار از ســنت به ســمت تجدد را در پیش دارد، و این گذار بدون تنش و با

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

روالی نرم اتفاق نمی‌افتد، در بسیاری از موارد به طلاق می‌انجامد، چرا که افراد خواهان ازدواج بر اساس مصلحت فردی و ارزش‌های فردی خود هستند. همچنین نکته دیگری که جلب توجه می‌کند اقتدار پدرسالارانه در ازدواج‌های سنتی است. در جامعه ایستا که سلطه جامعه بر فرد همه جانبه و دایره اختیارات فردی بسیار محدود است، تضعیف نظام خویشاوندی، تغییر جایگاه فرد تصمیم‌گیر اصلی و میزان برابرخواهی جنسیتی به مثابه مولفه‌های غیر مرسوم تلقی می‌شود. اما عناصر ساختی و کارکردهای خانواده، در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن است و با تضعیف شدید نظارت جامعه و خانواده بر فرد، تأمین نیازهای فردی به انتظارات جامعه و مصالح خانواده تفوق پیدا کرده است (علی احمدی و همکار، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۵). در چنین شرایطی شاهد تضعیف اقتدار پدرسالاری، گرایش به هسته‌ای شدن خانواده و عدم پذیرش دخالت‌های خانوادگی هستیم که در یافته‌های این مطالعه نیز به آن اشاره شده است.

عوامل اجتماعی- فرهنگی یکی دیگر از عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این مطالعه بود. در منطقه مرزی بانه، به دلیل تجارت مرزی و رشد اقتصادی ناپایدار، توسعه شهرنشینی، مهاجرپذیر شدن این شهر از استان‌های مجاور (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و...)، تغییرات وسیع در شرایط اقتصادی، در اختیار داشتن حجم انبوهی از سرمایه اقتصادی در میان تعدادی از افراد، تعامل اقتصادی و اجتماعی به هم خورده و متعاقب آن پست‌رفتگی فرهنگی مشاهده می‌شود. در چنین وضعیتی ساختار کلی جامعه که خانواده هم جزئی از این ساختار است، تغییر یافته و زندگی از حالت سنتی خود خارج شده است و به سمت الگوها و شیوه‌های نوین پیش رفته است و در گذر از این تغییر و تحولات، عوامل بروز و ظهور زمینه‌های بروز خشونت، اعتیاد، سرقت و کلاهبرداری فراهم شده است. اعتیاد به مواد مخدر صمیمت و روابط مطلوب میان اعضای خانواده را مختل می‌کند و همزیستی خانوادگی در چنین شرایطی از میان می‌رود. نتایج مطالعه غیاثی و همکاران (۱۳۸۹)، مشکی و همکاران (۱۳۹۰)، محسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)، شهولی (۱۳۹۰)، توسلی و ندوشن (۱۳۹۰) از اعتیاد به عنوان یکی از عوامل موثر بر فسخ قراردادهای زناشویی نام می‌برند. استعمال بی‌رویه مشروبات الکلی نیز باعث می‌گردد، فرد نتواند پذیرای مسئولیت خطیر خود در خانواده باشد. چنانچه در این مطالعه نیز بدان اشاره شد، استعمال مشروبات الکلی با اعمال خشونت‌های جسمی و جنسی از سوی شوهرهمراه بوده است. غیاثی، معین و روستا (۱۳۸۹) از خشونت همسر به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز گزارش کردند. مشکی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که در ۴۸/۶ درصد از زنان مطلقه در شهرستان گناباد مواردی از سوء رفتار جسمی و در ۵۷ درصد مواردی از پرخاشگری دیده شده است. همچنین خشونت جنسی در مطالعه دیک سردی، مکنزی و شوارتز (۲۰۰۴) به عنوان یکی از دلایل طلاق گزارش شده است.

با توجه به شرایط مذکور ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز در این شهرستان به چالش کشیده شده است. استفاده از رسانه‌های بیگانه، تعدد زوجین و روابط عاطفی- جنسی فرا زناشویی از عوامل فرهنگی موثر بر طلاق گزارش شده است. جامعه‌شناسان از رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از علل از هم پاشیدگی خانواده‌های جوان نام می‌برند که تخت تأثیر فیلم‌های مخرب ویدویی و ماهواره‌ای قرار دارند (حاجی حسینی شاهرودی، ۱۳۸۰: ۹۱). استفاده از رسانه‌های بیگانه باعث افزایش سطح توقع و انتظارات شوهران شده و زمینه تنش و اختلاف بین همسران را موجب شده است. برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر در زمینه اموری مانند اظهار علاقه و محبت، مورد احترام قرار گرفتن و سازگاری در روابط جنسی و در دیگر زمینه‌ها، عامل ایجاد اختلاف در بین همسران می‌شود. نتایج مطالعه قطبی (۱۳۸۳)، حبیب‌پور گتابی (۱۳۹۰) مطالعه الم و همکاران (۲۰۰۴) و مطالعه کالمی جن و همکاران (۲۰۰۰) و فرتادو، مارسن و سویل سنز (۲۰۱۰) از نقش فرهنگ به عنوان عاملی قوی و اثرگذار در طلاق نام بردند.

پیشنهادات

از یافته‌های مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مؤثر بر طلاق از دیدگاه زنان مطلقه متنوع و پیچیده بوده

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

و مربوط به سطوح فردی، بین فردی، خانوادگی و فرهنگی اجتماعی است. آگاهی مددکاران اجتماعی از عوامل فوق و انجام مداخلات پیشـگیرانه، ارائه مشـاوره‌های تخصصی و لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در زمینه توجه به توسعه پایدار اقتصادی در مناطق مرزی کشور در کاهش وقوع پدیده طلاق نقش بسیار مؤثری دارد، از این رو پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. آموزش مهارت‌های زندگی پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از ازدواج با هدف آگاه‌سازی زوجین.
۲. آموزش و فرهنگ‌سازی در ارتباط با عدم دخالت‌های خانوادگی.
۳. انجام مداخلات حرفه‌ای توسط مددکاران اجتماعی در زمینه مشاوره‌های پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از ازدواج.
۴. ایجاد زمینه‌های لازم برای مداخلات حرفه‌ای توسط مددکاران اجتماعی در دادگاه‌های خانواده.
۵. وضع قوانین همراه با ضمانت اجرایی در خصوص ازدواج‌های اجباری.
۶. وضع قوانین همراه با ضمانت اجرایی در خصوص هر نوع همسرآزاری و اعمال خشونت (جسمی، جنسی، عاطفی و روانی) در محیط خانواده.
۷. تقویت و توسعه طرح‌های پیشگیری از همسرآزاری در محیط خانوادگی.
۸. کاهش و کنترل آسـیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده در مناطق مرزی کشـور به ویژه اعتیاد، اسـتعمال مشروبات الکلی، خشونت و مواردی از این قبیل که زمینه‌ساز بروز طلاق می‌گردند.
۹. توجه به توسعه پایدار اقتصادی و ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی برای اشتغال پایدار در مناطق مرزی به جای تکیه بر اقتصاد بی‌ثبات و آسیب‌زای مرزی.

منابع

References:

Alam, N. Saha, S.k. Van Ginneken, J.K (2000). Determinants of Divorce in a Traditional Muslim Comm unity in Bangladesh. Demographic Research, 3(4): 1-20.

Alyahmdy, O. Pourreza Karim Sara, N. (2013). Threats and conflict between tradition and modernity family. Book of the Month of Social Sciences, 62: 12. 21. [persian]

Amato, P.R. Rogers, S.J. (1997). A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent Divorce. Journal of Marriage and Family, 59: 612-624.

Amato, P.R& Previti, D. (2003). Peoples Reasons for Divorcing: Gender, Social Class, the Life Course, and Adjustment. Journal of Family Issues, 24(5), 602- 626.

Aspers, P(2009), Empirical Phenomenology. The Indo-Pacific Journal of Phenomenology. 9(2): 1-12

BariKani, A & Sarichlow, M.E & Mohammadi, N(2012). The Cause of Among Men and Women Re ferred to Marriage and Legal Office Qazvin, Iran. Global Journal of Health Science; 4(5): 184- 191.

Braun, V. Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. Qualitative Research in Psychol ogy, 3(2): 77- 101.

Brayan, P (2000). Reasking the Woman Question at Divorce. Chicago- Kent Law Revieew.75, 713- 761.

Bryant, A & Chamaz, K. (2007). Grounded theory. London: Sage Publication Ltv.

Butrica, B.A. Smith, K.E (2012). The Retirement Prospects of Divorced Women. Social Security Bul letin, 72(1): 11- 22.

Database News Analysis Rbaba (2014), 5192. [Persian]

Davoodi, Zahra. Etemadi, A. Bahrami, F. (2011). Short-term solution-focused approach to reduce the tendency of divorced men and women prone to divorce. Journal of Social Welfare, 11 (43): 121- 134. [Persian]

De Graaf, P.M & Kalmijn, M. (2006). Divorce Motives in a Period of Rising Divorce: Evidence from a Dutch Life History Survey. Journal of Family Issues, 27(4), 483- 505.

Fade, S (2004). Using Interpretative Phenomenological Analysis For Public Health Nutrition and Di etetic Research: A Practical Guide. Proceeding of the Nutrition Society. 63: 647-653

Forotan, K. Jadid Milani, M. (2008) The prevalence of sexual dysfunction in divorce applicants re ferred to family court. Journal of Medical Journal, 16 (87): 39- 44.

Fatehi Dehaghani, A. Nazary, A M. (2011). Sociological analysis of the factors influencing the tendency

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]

of couples to divorce in Isfahan province. Social Security Studies Quarterly, 25: 13. 54. [Persian]
Furtado, D. Marcen, M. Sevila- Sanz, A. (2010). Does Culture Divorce Decisions? Evidence From European Immigrants in the US. Department of Economics Discussion Paper Series, 495.
Gaffal, M (2010). Factors Influencing Ex- spouses Adjustment to Divorce. www. Springer. Com/ 978-3-13895- 9.
Ghaffari, M. Rezai, A. (2013). Investigate the relationship between marital satisfaction and quality of life with obsessive tendencies and life skills PNU married students. University Journal of Medical Sciences, 23 (2): 140- 147. [Persian]
Ghaderzadeh, O. Ghaderzadeh, H. Hossein Panahi, H. (2011) predictors of attitudes toward divorce in the border areas. Journal of Psychotherapy family counseling; 1: 102 -118. [Persian]
Ghotbi, M (2004). Divorce situation and related risk factors in people living in absolute Dowlat Abad. Social welfare, 3: 286- 271. [Persian]
Graneheim, U.H. Lundman, B (2004). Qualitative Content Analysis in Nursing Research: Conceptpts, Procedures and Measures to Achieve Trustworthiness. Nurse Education Today, 24: 105-112.
Haji Hosseini Shahroudi, H. (2001). Sociological study of the phenomenon of divorce. Knowledge, 45: 85- 94. [Persian]
Habibpoor Gatabi, K. Nazktbar, H. (2011). Factors divorce in Mazandaran province. Women Strategic Studies, 14 (53): 87- 128. [Persian]
Hsu, M (1998). Determinants of the Marital Dissolution and Female Labor Supply. Journal Population Studies, 19: 143- 169.
Kafle, N. P (2011). Hermeneutic Phenomenological Research Method Simplified. An Interdisciplinary Journal, 5: 181-200
Kalmijn, M. De Graaf, P. Poortman, A. R (2004). Interactions between Cultural and Economic Determinants of Divorce in the Netherlands. Journal of Marriage and Family 66: 75- 89.
Kolb, S. M. (2012). Grounded Theory and the Constant Comparative Method: Valid Research Strategies for Educators. Journal of Emerging Trends in Educational Research and Policy Studies. 3(1): 83-86.
Meshki, M. Shah kazem, Z. Delshad Noqaei, A. Moslem, A. (2011). Check the status of and factors associated with divorce, from the perspective of divorced couples in the years 1387- 1388. Journal of Gonabad city skyline knowledge, 17 (1): 35- 45. [Persian]
MhsNZadh, F. Mohammad Nazari, A. Arefi, M. (2011). Qualitative study of marital dissatisfaction and divorce action (case study in Kermanshah. Strategic Studies of women; 53: 7-42. [Persian]
Mohammad Pour, A. (2013). Qualitative research methods (2). Tehran, JamhShnasan. [Persian]
Mudd. E.H (1952). The Social Workers Function in Divorce Proceedings. Conference on Divorce, February 29, 66-71.
News Analysis Database family and women (2014), 14813.
Oyewo, N.A (2012). Sexual Desfunction as a Determinant of Marital Dissatisfaction Among Married Part-Time Degree Student in Oyo State. European Journal of Humanities and Social Sciences, 15(1): 711- 724.
Parvin, S. davody, M. Mohammady, F (2012) Sociological factors influencing the emotional divorce among Iranian families. Women Strategic Studies, 14(56): 119- 154. [Persian]
Riahi, MI. Aliverdinia A. Bahrami Kakavand, S (2007).Sociological analysis of trends in divorce. Women's Research, 5 (3): 109: 140. [Persian]
Sabini, J (1995). Social Psychology, New York and London, W.W. Norton & Company.
Schalkwyk, G.V. (2005). Explorations of Post-Divorce Experience: Women's Reconstructions of Self. Anzjft 26(2), 90- 97.
38-Shoholy, K. (2011). Investigate the causes of conflict and divorce in families Ize city. Social-cultural studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, 2 (1): 113 138.
Tavassoli, GH. Ghyasi Nadawshan, A (2011) Social Determinants of divorce over the past decade (2001 years study in Yazd province 2007). Social Development Studies Iran, 4(3): 35- 49. [Persian]
Zare, S. Agular-Vafaie M. Ahmadi F (2014). Spiritual encountering of divorce women in adjusting to the divorce phenomenon: A qualitative study. Journal of behavioral sciences, 8(4): 395- 403. [Persian]
41-Zarei, F. Merghati Khoei, E. Taghdisi, M H. Solhi, M. Nejat, S. Shijaei Zadeh, D. Rajati, F. Rahmani, A (2013). Divorce from a Divorcee Womens perspectives: A qualitative study. 2(3): 234- 247. [Persian]

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-23]